

فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۴، تابستان ۹۷

تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی بر قانون‌گریزی (مورد مطالعه: استان خوزستان)

ابراهیم میرزایی^۱، یعقوب احمدی^۲، احمد بخارایی^۳، هوشنگ ناییبی^۴

از صفحه ۱۸۹ تا ۲۲۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۲

چکیده

نظم اجتماعی، روابط اجتماعی نسبتاً پایدار بین مجموعه‌ای از کنشگران فردی و جمعی بر اساس منافع مشترک، دلبستگی و وابستگی متقابل است که به واسطه تعلق خاطر و احساسات اخلاقی مشترک و وجود نظام قانونی رسمی (همراه با پشتوانه ضمانت اجراء) در میان گروه از کنشگران فردی و جمعی حاصل می‌شود. بر این اساس حفظ نظم اجتماعی در جامعه مستلزم وجود قانون و حاکمیت قانون نشأت گرفته و برخاسته از تکالیف اجتماعی و اخلاقی است. هدف از این مقاله آگاهی از مهمترین عوامل موثر بر قانون‌گریزی می‌باشد. روش به کار رفته در این مطالعه پیمایشی است. جامعه آماری از بین شهروندان ساکن بالای ۱۸ سال شهرستان‌های اهواز، بندر ماهشهر، خرمشهر، اندیمشک و بهبهان انتخاب که جمعاً تعداد ۶۱۳ نمونه شدند. یافته‌ها نشان داد که بیشترین و کمترین حوزه‌ای که در آن پاس‌خگویان مرتکب قانون‌گریزی شده‌اند به ترتیب قانون‌گریزی مالی-اقتصادی (میانگین ۲/۸۳) و فرهنگی-آموزشی (میانگین ۲/۲۳) بوده است. همچنین به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل و وضعیت شغلی رابطه معناداری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین احساس آنومی و قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی ۰/۰۸۰ و جهت رابطه مستقیم مثبت می‌باشد.

کلید واژه‌ها: نظم، قانون، قانون‌گریزی، عوامل فرهنگی-اجتماعی، استان خوزستان.

۱. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور. نویسنده مسئول. ebrahimmirzae2013@gmail.com

۲. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور. yahmady2001@yahoo.com

۳. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور. bokharaei_ah@yahoo.com

۴. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. hnayebi@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

جامعه دربرگیرنده مجموعه‌ای از افراد است که از طریق روابط متقابل اجتماعی به یکدیگر پیوند خورده اند و زندگی انسان در جامعه یک امر اجتناب ناپذیر و ضروری است و لازمه تداوم و بقای زندگی اجتماعی، وجود نظم اجتماعی است. نظم اجتماعی، روابط اجتماعی نسبتاً پایدار بین مجموعه‌ای از کنشگران فردی و جمعی بر اساس منافع مشترک، دلبستگی و وابستگی متقابل است که به واسطه تعلق خاطر و احساسات اخلاقی مشترک و وجود نظام قانونی رسمی (همراه با پشتوانه ضمانت اجراء) در میان گروه از کنشگران فردی و جمعی حاصل می‌شود. بر این اساس حفظ نظم اجتماعی در جامعه مستلزم وجود قانون و حاکمیت قانون نشأت گرفته و برخاسته از تکالیف اجتماعی و اخلاقی است. قانون ناظر بر رفتارهای فردی، روابط بین فردی و بین گروهی در تمام سطوح جامعه است که به تعیین وظایف و حقوق افراد جهت انجام کارهای مختلف و همچنین برای توزیع تکالیف و حقوق در جامعه می‌پردازد. چنانچه اجزاء نظم و کنشگران اجتماعی موجبات رعایت دستورالعمل‌های قانون در جامعه را رعایت و فراهم نکنند، انسجام اجتماعی و هماهنگی بین اجزاء جامعه دچار اختلال و بی‌نظمی فزاینده حادث می‌شود. در آن صورت افراد جامعه با هنجارها و ارزشهای اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است هم‌نوا نگردیده و مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون‌گریزی می‌شوند (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵). به سخن دیگر، جامعه زمانی به "بی‌نظمی اجتماعی" دچار می‌شود که با نقض مداوم هنجارهای اجتماعی توسط افراد به تدریج ارزشهای اساسی اش زیر سوال برود (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۳۸۲). از جمله شاخص‌ها و نشانه‌های بی‌هنجاری در جامعه، قانون‌گریزی و نظم‌گریزی است که دارای ابعادی همچون مالی، اداری، راهنمایی و رانندگی، آموزشی و... می‌باشد. قانون، در ادبیات جامعه‌شناسی شامل نظام هنجارهای استاندارد شده است که برای تنظیم اعمال انسانی و در جهت تحقق نظارت اجتماعی به گونه‌ای علنی استوار یافته است (بوشان، ۱۹۹۴: ۱۵۸ به نقل از محسنی، ۱۳۸۶: ۳۶۶). قانون به عنوان نوعی کنترل اجتماعی با دو ویژگی مشخص می‌شود؛ یکم، به عنوان الگویی رفتاری به این دلیل پذیرفته می‌شود که انحراف از آن می‌تواند با ضمانت اجرایی که هدفش وادار کردن به اطاعت یا مجازات است روبه‌رو شود. دوم،



۱۹۱

این ضمانت اجراها توسط هیئتی از کارگزاران به کار بسته می شود که اختصاصاً برای اجرای این وظیفه از قدرت بهره مند شده اند. در جوامع مدرن امروزی نظام قانونی دولت بیشتر در قوه قضائیه جمع شده است. دولت به مثابه قویترین سازمان ساختارهای اجتماعی معاصر، از طریق دستگاه قانونی خود، قدرتی را که ممکن است به وسیله یا در نهادهای دیگر اداره شود، تنظیم می کند. یکی از کارکردهای اساسی قانون، تنظیم تعریف و تائید حقوق بر اموال است؛ خواه عمومی، مشترک یا خصوصی باشد. قوانین با عرف ها که در آن هیئتی اجباراً آن ها را به مرحله عمل در می آورند متفاوت است (گرث و میلز، ۱۳۸۰: ۲۷۹). قانون گریزی یک پدیده حقوقی-اجتماعی است که در مقابل قانون گرایی قرار دارد. قانون گریزی دارای ابعاد و اشکال متعدد است و مفهوم عام و گسترده تری از قانون شکنی دارد. هر قانون شکنی قانون گریزی است، ولی هر قانون گریزی قانون شکنی نیست. قوانین و یا اکثر قوانین در هنگام وضع، در پاسخ به نیازهای شناخته شده برای کنترل اجتماعی به نحو رسمی ایجاد می شوند. پس قوانین مجموعه ایستایی از قواعد که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شوند نیستند، بلکه انعکاس استانداردهای تحول پذیر صحیح و ناصحیح و چگونگی شناخت تخلفات و جرایم و تعیین مجازات ها هستند. در این صورت اگر قوانین پاسخگوی نیازها نباشند، پایداری آنها یا اطاعت از آنها دچار تزلزل می شود حتی اگر رفتار مردم قانون شکنی باشد. قانون گریزی، حیل به نسبت به مقررات است که دارای درجات متفاوت می باشد. یکی از درجات آن، تقلب نسبت به قانون است (پروین، ۱۳۹۲: ۱۷۷). قانون گریزی معطوف به هنجارهایی است که در جامعه به مثابه کل جریان دارند. از این رو نقطه مقابل ویژگی عمومیت هنجارهای قانونی در جامعه است. بنابراین عدم اطاعت از عرف ها و آداب غیررسمی توسط کنشگران اجتماعی خارج از این تعریف قرار می گیرند (رضایی، ۱۳۸۵: ۷۰). به بیانی دیگر، قانون گریزی رفتاری است که با مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می گیرد و قانون گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می گیرند، بنابراین قانون گریزی طیفی از رفتار است که از قانون گریزی دائمی، خشن و شدید (مانند

Archive of SID

سرت، قتل و...) تا قانون گریزی گاه گاهی، غیر خشن و ضعیف (مانند ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در بر می گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۳۸۵). نتیجه کم ارزش تلقی کردن نظم و قانون در جامعه، کم ارزش شدن اهمیت جرم و گسترش آن در جامعه و تاثیر منفی بر رفاه و توسعه اجتماعی است. جدی انگاری قانون گریزی و جرایم می تواند نشانه انسجام اجتماعی بالا باشد و نیاز به نظارت اجتماعی را کاهش دهد و در نتیجه موجب کاهش نرخ جرایم در جامعه شود (سراج زاده، ۲۰۰۸: ۵۴۲). بالا رفتن نرخ جرائم در هر جامعه ای نشان دهنده و از جمله شاخص های افزایش میزان قانون گریزی و کاستن از اهمیت قانون در بین افراد آن جامعه است. جامعه ایران به دلایل بسیار گرفتار نوعی بیماری است که در بیان جامعه شناسی از آن به عنوان بی هنجاری یاد می شود و بر اساس نتایج عمده کتب، تحقیقات و نظرسنجی های مربوط به جامعه امروز ایران در ارتباط با نظم اجتماعی، انحرافات و قانون گرایی، نشان دهنده گسیختگی اجتماعی، نابسامانی، قانون گریزی و فساد اجتماعی در ساختار کلی جامعه و ابعاد آن در همه سطوح اجتماعی است که در آن تمایل به نظم مبتنی بر قانون و قانون پذیری کم می باشد و یک مسئله اجتماعی می باشد (رضایی، ۱۳۸۵، ۱۳۹۳؛ فیروزجائیان، ۱۳۸۹، ۱۳۸۸؛ عبداللهی، ۱۳۷۸؛ علیخواه، ۱۳۹۳؛ عبدی، ۱۳۸۰؛ دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۹؛ محسنی، ۱۳۷۱؛ معیذر، ۱۳۸۰؛ رضاعلی محسنی، ۱۳۹۱). همچنین رتبه ایران نیز در سطح جهانی در ارتباط با میزان و برآورد اعمال قانون بر اساس شاخص "دلیو. جی. پی حاکمیت قانون" که با تاکید بر ۹ عامل "میزان محدود بودن قدرت دولت"، "نبود فساد"، "پاسخگو بودن حکومت"، "حقوق اساسی"، "نظم و امنیت"، "نظارت منظم"، "عدالت اجرایی"، "عدالت کیفری"، و "نظام عدالت غیررسمی" به دست آمده است، در بین ۱۱۳ کشور، ۸۶ با نمره میانگین ۰/۴۷ است که رتبه مناسبی نیست. بنابراین وضعیت فوق به این معناست که در ایران رویه واحدی بر اساس قانون وجود نداشته و افراد با نادیده گرفتن قوانین و مقررات رسمی، کنش ها و رفتار خود را به شکلی غیررسمی و سنتی تنظیم می کنند. استان خوزستان به عنوان یکی از استان هایی که هشت سال به طور مستقیم درگیر و شاهد جنگ تحمیلی بوده، در حوزه های مانند نفت، صنعت، کشاورزی و... واجد شرایطی بسیار خوب و عالی



۱۹۳

می باشد. این استان در وضعیتی متناظر با جامعه ایران، از یک سو دارای تنوعات قومی (عرب، بختیاری، فارس، لر) و زبانی (عربی، لری بختیاری، فارسی و...) و با گذر از وضعیت سنتی و در معرض بودن تغییر و تحولات ناشی از مدرنیته از سوی دیگر، تغییرات اساسی در حوزه های مختلف جامعه را تجربه کرده و تجلی و پیامد چنین تغییراتی را در ارتباط با شکل گیری انواع آسیب های اجتماعی و به طور کلی قانون گریزی را می توان مشاهده کرد. در چنین وضعیتی هنجارهای اجتماعی فاقد کارایی لازم و مواضع اجتماعی، نقشه های شناختی و به طور کلی الگوهای رفتاری و کنشی افراد نامشخص می شوند و افراد از هیچ قاعده و قانونی تبعیت نمی کنند. بر اساس آخرین گزارشات که معاون اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه اعلام کرده، در حال حاضر شاهد رشد ۱۵ درصدی جرایم در کشور می باشیم (۹۴/۷/۱۹ خبرگزاری فارس). طبق گزارش فرماندهی انتظامی استان خوزستان، رتبه خوزستان در میزان جرایم کشور هشتم است (۹۰/۳/۲۵ سایت خوز نیوز). آمارها از رشد تقریباً سه برابری جمعیت کیفری استان از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ حکایت دارد (ممبینی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). رئیس مرکز اجرائیات پلیس راهور ناجا، استان خوزستان را یکی از استان هایی معرفی کرد که در آن بیشترین تخلفات حادثه خیز ثبت شده است (۹۴/۶/۲۱ سایت پلیس راهور ناجا). همچنین دادستان عمومی انقلاب شهر اهواز رتبه خوزستان در موضوع سرقت را ۵ تا ۸ و رتبه ناامنی ۲۰ در کل کشور می داند (ماهنامه طلوع، ۱۳۹۰: ۲). با نگاهی به آمارها و چگونگی جرایم در استان خوزستان، می توان شاهد نرخ و میزان جرایم و قانون گریزی بالا در این استان بود. با پیدایش شرایط و مسائل فوق، ضمن اینکه بقا و تداوم حیات اجتماعی در جامعه با چالش های درونی و بیرونی روبرو می شود، بلکه سامان دهی نظم و مدیریت مسالمت آمیز و خردمندانه و مشارکت جویانه تضادها، توسعه و بررسی نظم اجتماعی و قانون گرایی ضرورت و اهمیت می یابد، و همچنین مقابله صحیح با آن ها موکول به اتخاذ سیاست های مبتنی بر یافته های علمی بسیار دقیق و روزآمد برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است.

بنابراین پرسش آغازین مورد توجه در این مقاله ناظر به این است که "عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر قانون گریزی کدام اند؟" در راستای پاسخ به چنین پرسشی دو پرسش جزئی زیر مطمح نظر قرار گرفته است:

عوامل اجتماعی موثر بر قانون‌گریزی کدام‌اند؟

عوامل فرهنگی موثر بر قانون‌گریزی کدام‌اند؟

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

به منظور انجام پژوهش کنونی به مطالعه تحقیقات انجام گرفته مرتبط با موضوع پرداخته شده است. نکته قابل توجه آنکه در میان تحقیقات قبلی، تحقیقی مشابه تحقیق حاضر که به تفکیک ابعاد پرداخته باشد صورت نگرفته است، براین اساس با توجه به موضوع، نزدیک‌ترین تحقیقات راجع به ابعاد انتخاب و خلاصه‌ای از آنها در ادامه آورده می‌شود:

تحقیقات داخلی: رضایی (۱۳۸۴) متغیرهای احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه را دارای بیشترین رابطه و متغیرهای تصور از اعمال نظارت، ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی، اعتماد به نظام سیاسی و خاص‌گرایی را دارای بیشترین تاثیر بر قانون‌گریزی کلی (اخلاقی، اعتراضی و ابزاری) می‌داند. عبداللهی (۱۳۷۸) موانع قانون‌گرایی را به چند دسته عام و خاص تقسیم می‌کند و عواملی مانند چندگانگی ساختار اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمد، شرایط نابسامان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تعارض عقیدتی و ارزشی، ضعف وفاق اجتماعی و انگیزه مشارکت جمعی و در نهایت ویژگی‌های خود قوانین در ایران را به عنوان موانع عمده قانون‌گرایی ذکر می‌کند. حیدری و همکاران (۱۳۹۱) در پرتو نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی مسنر و روزنفلد به تبیین قانون‌گریزی می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که ازهم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار دارد و در این بین شاخص‌هایی چون فردگرایی و بت‌وارگی پول بیشترین تاثیر را داشته‌اند. فیروزجائیان (۱۳۸۹) فقدان عدالت رویه‌ای در اجرای قانون را موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم می‌داند که این خود سبب می‌شود تا صلاحیت آنان زیر سوال برود و افراد قانون‌گریزی را بر اطاعت ترجیح دهند. محسنی (۱۳۹۱) در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی افراد از قوانین، ضعف و خلاء قوانین، بی‌هنجاری و اجباری بودن قوانین با قانون‌گریزی رابطه معنادار وجود دارد.



۱۹۵

تحقیقات خارجی: بووآی و همکاران (۲۰۰۰) بحث قانون گریزی را به نوع نظامات سیاسی مرتبط می‌دهد و معتقد است که چگونگی اجرای عدالت قوانین دولتی متغیر مهمی در شکل‌گیری اعتراضات سیاسی و نافرمانی‌های مدنی و در نهایت قانون گریزی در جامعه است و نبود عدالت نقش مهمی در ایجاد انگیزه فردی-اخلاقی و توجیه پذیر کردن قانون گریزی ایفا می‌کند. ریسکا (۲۰۰۴) به منشاء سیاسی و ماهیت حقوق در شناسایی و تبیین جرم‌های طبقاتی می‌پردازد و قانون و قانون گریزی را به اقتصاد سیاسی مرتبط می‌داند و معتقد است که گروهی از افراد بنا به موقعیت طبقاتی‌شان از سوی مقامات رسمی برچسب مجرمانه و قانون گریز می‌خورند. تیلور در مجموعه تحقیقات انفرادی و مشترک خود (۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴) به چرایی تبعیت افراد از قانون می‌پردازد و با نقد رویکردهای ابزاری مبتنی بر انتخاب عقلانی، بر این باور است که افراد در جامعه به واسطه جایگاه‌شان و تجربه واقعیت به تعریف ذهنی و تفسیری از پدیده‌هایی همچون قانون، مجریان قانون، عدالت و... می‌پردازند و بر این اساس دست به ارزیابی آنها می‌زنند. چنانچه قانون، تصمیم سازان قانون و مجریان قانون از ویژگی‌هایی همچون اعتماد، مشروعیت، اعتبار، بی‌طرفی، عدم تبعیض برخوردار باشند، افراد آنها را مشروع می‌دانند و سپس داوطلبانه از قوانین اطاعت و خود تنظیم کنندگی شکل می‌گیرد. جی وبستر و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از نظریه همنشینی افتراقی ساترلند و نظریه تکنیک‌های خنثی سازی سایکز و ماتزا به بررسی و مقایسه رفتار قانون شکنانه در بین افراد مجرم و غیرمجرم می‌پردازند. اینان نتیجه می‌گیرند که مجرمان به واسطه فرایند تصویر سازی اجتماعی، جرم را هم برای خود و هم دیگران یک رفتار هنجارمند تصویر می‌کنند و این اعتقاد پیدا می‌کنند که دیگران مشابه ما رفتار و فکر می‌کنند و به طور کلی تکنیک‌های خنثی سازی نقش مهمی در پذیرش و عادی شدن رفتار قانون شکنانه و مجرمانه ایفا می‌کند. بر پایه رویکرد تضاد صاحب نظرانی چون هاروی^۲ (۱۳۷۶)، گاگلر^۳ (۱۳۷۵)، تیتل^۴ و میلر^۵ (۱۹۶۴) و

1. Self - regulatory
2. Harvey
3. Gugler
4. Tittle
5. Miller

فارست و پال^۲ (۱۹۹۳) بر عواملی مانند تضاد طبقاتی و نابرابری، گسترش فرهنگ فقر، رشد محرومیت و فضا و نابرابری در تبیین قانون گریزی و قانون گرایي پرداخته اند (محسنی، ۱۳۹۱: ۹۶).

مبانی مفهومی و نظری

قانون گریزی

قانون گریزی یک پدیده حقوقی - اجتماعی است که در مقابل قانون گرایي قرار دارد. قانون گریزی دارای ابعاد و اشکال متعدد است و مفهوم عام و گسترده تری از قانون شکنی دارد. هر قانون شکنی قانون گریزی است، ولی هر قانون گریزی قانون شکنی نیست. قوانین و یا اکثر قوانین در هنگام وضع، در پاسخ به نیازهای شناخته شده برای کنترل اجتماعی به نحو رسمی ایجاد می شوند. پس قوانین مجموعه ایستایی از قواعد که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شوند نیستند، بلکه انعکاس استانداردهای تحول پذیر صحیح و ناصحیح و چگونگی شناخت تخلفات و جرایم و تعیین مجازات ها هستند. در این صورت اگر قوانین پاسخگوی نیازها نباشند، پایداری آنها یا اطاعت از آنها دچار تزلزل می شود حتی اگر رفتار مردم قانون شکنی باشد. قانون گریزی، حیلۀ نسبت به مقررات است که دارای درجات متفاوت می باشد. یکی از درجات آن، تقلب نسبت به قانون است (پروین، ۱۳۹۲: ۱۷۷). قانون گریزی معطوف به هنجارهایی است که در جامعه به مثابه کل جریان دارند. از این رو نقطه مقابل ویژگی عمومیت هنجارهای قانونی در جامعه است. بنابراین عدم اطاعت از عرف ها و آداب غیر رسمی توسط کنشگران اجتماعی خارج از این تعریف قرار می گیرند (رضایی، ۱۳۸۵: ۷۰). به طور کلی قانون گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می گیرد و قانون گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می گیرند، بنابراین قانون گریزی طیفی از رفتار است که از قانون گریزی دائمی، خشن و شدید (مانند سرقت، قتل و...) تا قانون گریزی گاه گاهی، غیر خشن و

1. Farst
2. Pahl



۱۹۷

ضعیف (مانند ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در بر می گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۳۸۵). بر این اساس قانون گریزی را بر حسب ویژگی های آن و با توجه به ابعاد جامعه به قانون گریزی عمومی، قانون گریزی اداری، قانون گریزی مالی، قانون گریزی راهنمایی و رانندگی و قانون گریزی فرهنگی - آموزشی تقسیم نمودیم:

قانون گریزی عمومی: ناظر به عدم همنوایی اعضای جامعه با هنجارها، اخلاق اجتماعی، قوانین اجتماعی و کارکرد مطلوب نهادهای اجتماعی در چارچوب قوانین و انتظارات اجتماعی است. یعنی افراد به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه و به صورت عمد و غیرعمد قواعد و الگوهای عمل خویش را برخلاف قواعد هنجار عمومی تنظیم می کنند و برای رسیدن به اهداف خویش از هر راهی که ممکن باشد حرکت و عمل می کنند. دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "آسیب زدن به اموال عمومی"، "فیلم برداری از مکان های ممنوع" تا "رای دادن چندباره در انتخاباتی"، "استفاده از دفترچه درمانی دیگری" و "خرید و فروش یا استفاده از مواد مخدر" را در بر می گیرد.

قانون گریزی اداری: عموماً در جامعه شناسی از قانون گریزی اداری به فساد اداری تعبیر می کند. فساد اداری عبارت است از سوء استفاده از اداره دولتی که هنجارهای رسمی و غیر رسمی را زیر پا می گذارد تا به یک امتیاز غیر قانونی دست یافته شود، در حالی که نمی توانست به صورت قانونی به آن دست یابد. فساد اداری تلاش برای کسب ثروت و قدرت از طریق غیرقانونی، سود خصوصی به بهای سود عمومی و سوء استفاده از قدرت دولتی در جهت منافع شخصی می باشد که به همین خاطر رفتار ضداجتماعی محسوب می شود (ریعی، ۱۳۸۳: ۴۸). علی رغم وجود تعاریف متعدد در مورد فساد اداری، در مورد مصادیق اجماع وجود دارد که می توان به مواردی چون؛ فساد مالی (اختلاس، فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی)، استفاده شخصی از اموال دولتی، کم کاری یا صرف وقت در اداره برای انجام کارهایی به غیر از وظیفه اصلی، سرقت اموال عمومی، ترجیح روابط بر ضوابط، فساد در شناسایی و مبارزه با قانون شکنی؛ تساهل و تسامح نسبت به فساد. دامنه تخلفات این حوزه طیفی از کنش و رفتارهای متفاوتی همچون "استفاده از اموال عمومی در محل کار"، "درگیری و بی نظمی در محیط کار" تا "تغییر متن یا تاریخ نامه اداری"، "ترجیح دادن روابط شخصی و گروهی بر ضوابط قانونی اداره"

را در بر می گیرد.

قانون گریزی مالی: چنین قانون گریزی هایی را به اقدامات غیر قانونی و تخلفات آگاهانه یا ناآگاهانه مالی و اقتصادی در حوزه کارکنان ادارجات، صاحبان شرکت ها، یقه سفیدان و به طور کلی افراد داخل جامعه در زمینه حمایت از منافع شخصی و گروهی خود به بهای ضربه زدن به دیگران و نظم عمومی اطلاق می شود. این چنین رفتارهایی برخلاف قانون جنایی بوده و بدون توسل به زور و مبتنی بر کسب سود و اضرار به مال غیر صورت می گیرند. نمونه این نوع قانون گریزی ها؛ گریز از مالیات، خرید و فروش کالای قاچاق، رشوه دادن و کلاهبرداری های مالی است. به بیان دیگر، تخلف و سرپیچی عمدی و آگاهانه از مقررات و قوانین مربوط به فعالیت های اقتصادی و مالی در جامعه مشمول انحراف و قانون گریزی می شود. دامنه تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "عدم پرداخت اقساط وام بانکی"، "عدم پرداخت مالیات" تا "استفاده از پول تقلبی"، "خرید و فروش کالای قاچاق" را در بر می گیرد.

قانون گریزی راهنمایی و رانندگی: عدم پیروی، تخلف و فقدان تعهد اخلاقی - هنجاری از قوانین راهنمایی و رانندگی عامل بروز آسیب های اجتماعی و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و . . . می باشد. بر این اساس نظم گریزی از چنین مجموعه قوانین یک مساله اجتماعی مهم است. تخلف در قلمرو قوانین راهنمایی و رانندگی به معنای بی توجهی و تجاوز آگاهانه و یا ناآگاهانه، اختیاری یا اجباری رانندگان، سرنشینان، عابران پیاده، ماموران راهنمایی رانندگی و راه سازی، دارندگان احشام و به طور کلی افراد جامعه از حدود، مقررات و قوانین مصوب در استفاده از تسهیلات حمل و نقل و ترافیک است (خرمشاهی، ۱۳۷۴ به نقل از میرفردی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱). بنابراین به نقض عمدی و آگاهانه رفتاری و هنجاری از قوانین مربوط به راهنمایی و رانندگی شامل شناخت و درک قواعد، اصول، علایم و وضعیت کلی مربوط به آن از سوی استفاده کنندگان، تخلف و قانون گریزی اطلاق می شود. دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "پارک کردن اتومبیل در مکان های ممنون"، "رانندگی کردن بدون گواهینامه" تا "درگیری فیزیکی با پلیس"، "گزارش ندادن خسارت به ماشین" را در بر می گیرد.

قانون گریزی فرهنگی - آموزشی: به معنای عدول از کارکردهای نظام



آموزشی است که به جامعه پذیری و آشنا کردن افراد با ارزش های جامعه می پردازد. در این وضعیت افراد به جای تبعیت کنشی و رفتاری از هنجارها و ارزش های مشروع و مقبول موجود در ارتباط با نظام تحصیلی (دانشگاه و مدارس) جامعه، به سرپیچی و عدم اطاعت از آنها می پردازند. گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "تقلب در امتحانات مراکز آموزشی یا دانشگاه"، "برهم زدن نظم عمومی موجود در دانشگاه یا دیگر مراکز آموزشی" تا "برخورد فیزیکی در مراکز فرهنگی و آموزشی"، "بر هم زدن نظم عمومی در مراکز آموزشی و فرهنگی" را در بر می گیرد.

نظریه فشار ساختاری: رابرت مرتن

مرتن با اصلاح مفهوم بی هنجاری دورکیم نظریه فشار ساختاری را مطرح و هدف خود را کشف این نکته می داند که برخی ساختارهای اجتماعی چگونه فشار معینی را بر بعضی از افراد وارد می کنند که به جای همنوایی ناهمنوا می شوند. وی نظام اجتماعی را ترکیبی از دو عنصر ساختاری یعنی ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی می داند و جهت شناسایی و مطالعه مسائل اجتماعی به لحاظ تحلیلی آنها را از یکدیگر تفکیک پذیر می داند. ساختار فرهنگی، شامل اهداف، منظورها و علاقه هایی است که به وسیله فرهنگ جامعه تعریف و تعیین شده و به صورت هدف های مشروع برای همه اعضای جامعه یا بخش های از آن در آمده است. هدف های متداول که میزان حساسیت و اهمیت آن ها متفاوت است، در بردارنده چارچوب مرجع آرمانی هستند. ساختار اجتماعی، شیوه های پذیرفتنی رسیدن به این هدف ها را تنظیم و نظارت می کنند. هر گروهی ناگزیر است هدف های فرهنگی خود را با مقرراتی منطبق کند که ریشه در نظام رسوم اخلاقی یا نهادها دارد و این مقررات بیانگر راه و روش های مجاز حرکت به سوی این هدف هاست. این هنجارهای نظم دهنده ضرورتاً با هنجارهای فنی و کارآمد یکی نیستند. رفتار نابهنجار از دیدگاه جامعه شناسی می توان نشانه از هم گسیختگی بین آرزوهای معین فرهنگی و شیوه های ساختاری شده اجتماعی در جهت رسیدن به این آرزوها دانست (مرتن، ۱۳۷۸: ۴۳۲). در دیدگاه مرتن ساخت به رابطه پایدار بین دو یا چند عنصر اجتماعی نظیر موقعیت یا پایگاه اجتماعی و کارکرد به نتیجه عینی چنین ساختاری اطلاق می شود (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۳۷). به نظر مرتن، بی هنجاری زمانی رخ می دهد که شکاف عمیقی بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و امکانات ساختار

Archive of SID

یافته اجتماعی اعضای گروه در همسویی با آنها وجود دارد (مرتن، ۱۹۶۸: ۲۱۶). یعنی برخی از افراد به خاطر جایگاه شان در ساختار اجتماعی جامعه نمی‌توانند مطابق ارزشهای هنجاری عمل کنند. فرهنگ رفتار خاصی را می‌طلبد که ساختار اجتماعی مانع آن می‌شود. مرتن مسائل اجتماعی را پدیده‌هایی جمعی، واقعی، عینی و قانونمند و نسبی می‌داند که حاصل گسست و ناهماهنگی عناصر ساختاری نظام اجتماعی اند. با توجه به ریشه ساختاری مسائل اجتماعی، می‌توان گفت که نوع و میزان آن‌ها تابع نوع و میزان فاصله و گسستی است که بین فرهنگ و ساختارهای اجتماعی به وجود می‌آید. این ناهماهنگی یا عدم توازن ساختاری و کارکردی ضمن تضعیف و تهدید انسجام و تعادل نظام اجتماعی زمینه‌ی فرهنگی- اجتماعی لازم را برای کژروی و شکل‌گیری شیوه‌های تطابق ناهمنویانه فراهم می‌سازد (نیسبت و مرتن، ۱۹۷۶: ۴۱-۴۰ به نقل از عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۴۴). وی می‌خواهد ثابت کند که ساخت اجتماعی تنوعی از شیوه‌های کنش را در اختیار اشخاص قرار می‌دهد و این شرایط ساختی است که علت ریشه‌ای انحراف اجتماعی است. او به نقش انحرافات یا جنایت علاقه مند نیست، بلکه ریشه‌های ساختی اجتماعی گرایش افراد به راه‌های نامطلوب کنش علاقه مند است. او نشان می‌دهد که چگونه بروز انواع مشخصی از عمل در شرایط اجتماعی معین، هنجاری و قابل پیش‌بینی است و این تبیینی کاملاً جامعه‌شناختی است (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۵۹). به طور کلی مرتن بر این عقیده است که شکل‌گیری وضعیت آنومی ارتباط مستقیمی با ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی دارد و انحراف زمانی اتفاق می‌افتد که شرایط بی‌ارتباطی و ناهماهنگی بین این دو عنصر وجود دارد. برای نمونه، بعضی از افراد به اهداف موجود در جامعه اعتقاد دارند (مثل موفقیت مادی، پایگاه)، اما با کمبود یا نبود وسایل تعریف شده جهت دستیابی به آنها در جامعه مواجهه می‌شوند. زمانی این وضعیت شکل بگیرد، انحراف اتفاق می‌افتد (فرانسیس، ۲۰۱۵: ۴۶). مرتن پنج شیوه را مشخص کرد که افراد از طریق آنها با اهداف فرهنگی و راه‌های تأیید شده آن سازگار می‌شوند. سنخ‌شناسی شیوه‌های انطباق فردی عبارتند از همنوایی^۱، ناهمنویانه^۲ مناسب گرای^۳، ناهمنویانه نوآوری^۳، ناهمنویانه^۴ و ناهمنویانه^۴

1. Conformity
2. Ritualism
3. Innovation
4. Retreatism



طغیان گری^۱ که در قالب جدول زیر آورده می‌شوند:

شیوه‌های تطابق	اهداف اجتماعی	وسایل اجتماعی
همنوایی	+	+
مناسک گرایی	-	+
نوآوری	+	-
واپس گرایی	-	-
طغیان گری	+/-	+/-
+ پذیرش - عدم پذیرش		

اما بسیاری از منتقدان معتقدند که مرتن نتوانست دیگر عوامل کنترل اجتماعی، به ویژه آن‌ها که در نظریه‌های با نفوذ جرم‌شناسی از قبیل نظریه پیوند مطرح می‌شود، مورد تاکید قرار دهد و نقد دیگر اینکه نظریه مرتن درباره ساختار اجتماعی و آنومی مبتنی بر هیچ زمینه تاریخی یا تطبیقی نیست و وی صرفاً بر جامعه آمریکا متمرکز می‌شود؛ و برخی از گرایش‌ها و فرایندهایی را که او توضیح می‌دهد تنها می‌توان در چارچوب بافت کلی تر اقتصاد سیاسی توسعه سرمایه داری درک کرد (مسنر و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۰).

نظریه پیوند اجتماعی: تریویس هیرشی

نظریه پردازان رویکرد کنترل اجتماعی و نظریه نظارت اجتماعی^۲ بر این اعتقاد هستند که انسان‌ها موجوداتی با آرزوهای نامحدود و فرض را بر ارضا نشدنی بودن و سیری ناپذیری ماهیت انسان می‌دانند. تراوس هیرشی، مهم‌ترین صاحب نظر این رویکرد در کتاب قیود اجتماعی^۳ با استفاده از مفهوم کنترل اجتماعی دورکیم و بسط این مفهوم، پیوند اجتماعی را عاملی تاثیرگذار در همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی ذکر می‌کند. به نظر وی بهترین مکانیسم کنترل اجتماعی در مقابل انحراف این است که ما با دیگران ارتباط داشته و پیوند بخوریم (تیو،

1. Rebellion

2. Social Control Theory

3. Social bonds

Archive of SID

۲۰۰۵: ۱۵۸). به بیانی دیگر، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، همتایان، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، کجروی به حداقل ممکن تنزل خواهد یافت و در صورت از هم گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه و آزادی از قیود اجتماعی، احتمال وقوع کجروی افزایش می یابد (کنдал، ۲۰۱۰: ۳۰۴). هیرشی پیوند اجتماعی را شامل: (۱) دلبستگی به هنجارهای افراد و نهادها؛ کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات این گونه مردمان را در نظر می گیرند در نتیجه مایلند با مسولیت عمل کنند. بر عکس، کسانی که چنین علاقه ای ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند، بنابراین بیشتر احتمال دارد که تخلف کنند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بداند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۸). (۲) تعهد به همنوایی^۲: تعهد یا دینی است که مردم نسبت به جامعه دارند. هر چقدر سرمایه گذاری آنان در تحصیلات، شغل، خانه، دوستان و... بیشتر باشد، دلیل بیشتری دارند برای حفاظت از دستاوردهای خود، با دیگران همنوا باشند. در نقطه مقابل، کسانی که سرمایه گذاری کمتری در جامعه دارند، خطر کمتری در ارتکاب جرم می بینند و حتی ممکن است فرصتی برای سود بردن از آن نیز به دست آورند (همان: ۱۳۹). (۳) درگیر شدن در فعالیت های مرسوم^۳: افراد در هر جامعه وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت می کنند و به فعالیت های متداول زندگی روزمره متعهد بوده، از کج رفتاری می پرهیزند تا موقعیت هایی را که به دست آورده اند حفظ کنند. (۴) اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارها جامعه^۴: اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج رفتاری هموار می کند (همان: ۵۳). هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه این اعتقاد در فرد، ضعیف تر باشد بیشتر احتمال دارد که هنجار شکنی کند. وی معتقد نیست که افراد کجرو از قواعد اجتماعی بی اطلاع هستند، بلکه کجروی به میزان قوت

1. Attachment to conventional people and institutions

2. Commitment to conformity

3. Involvement in conventional activities

4. Belief in the moral validity of social rules



و ضعف اعتقاد به هنجارهای اجتماعی مربوط است (بخارایی، ۱۳۹۲: ۵۰۲). بنابراین و بر طبق این رویکرد، بین تعلق خاطر افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول و زندگی روزمره هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن آنها در فعالیت‌های مختلف زندگی و اعتقاد به نظام هنجاری جامعه از یک سو و هم‌نوایی آنان با هنجارهای جامعه از سوی دیگر رابطه مستقیم و با احتمال کج رفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد (هیرشی، ۱۹۶۹: ۲۶ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۳).

نظریه قانون در عمل: ویلیام چمبلیس

چمبلیس در پرتو بینش تضاد و رویکرد انتقادی آمریکایی به مطالعه کج رفتاری‌ها و انواع مسائل اجتماعی در جامعه می‌پردازد. این رویکرد عمدتاً بر این باور است توزیع افتراقی قدرت در جوامع متکثر موجب می‌شود که برخی گروه‌هایی که سهم کافی از قدرت دارند بتوانند قوانین و مقرراتی تصویب کرده به اجرا گذارند که به ضرر و زیان منافع گروه‌های رقیب و در خدمت منافع خودشان باشد. قوانین به صورتی نوشته و وضع می‌شوند که به نفع طبقه سرمایه دار باشند و این اطمینان را فراهم کنند که افراد پایین‌ترین طبقه ساختار اجتماعی به دارایی افراد طبقه بالا تجاوز نمی‌کنند و امنیت آنها را مورد تهدید قرار نمی‌دهند. (کندال، ۲۰۱۰: ۳۰۰). یکی از صاحب‌نظران متعلق به این رویکرد ویلیام جی. چمبلیس است که در سال ۱۹۶۴ مقاله‌ای با عنوان "تحلیل جامعه شناختی قانون آورگی" و در سال ۱۹۷۵ نیز مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد سیاسی جرم" در راستای نظریه انتقادی خود منتشر کرد که در آن، به چگونگی تعریف جرم و فساد توسط گروه‌های قدرتمند و ثروتمند را اشاره کردند (رایینگتن و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۶). وی مدعی است که دو نوع قانون وجود دارد: یکی "قانون در کتاب" که ایدئال قوانین است و دیگری "قانون در عمل". قانون در کتاب، مسئولان را به رعایت عدل و انصاف و برخورد مساوی با همه شهروندان فرا می‌خواند، اما قانون در عمل چهره‌ای ظالمانه از مسئولان نشان می‌دهد که به نفع ثروتمندان و قدرتمندان و به زیان فقرا و ناتوانان عمل می‌کند (چمبلیس و سایدمن، ۱۹۷۱ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۸). از این منظر، قوانین جنایی در طول تاریخ و در عمل بیشتر در خدمت منافع ثروتمندان و قدرتمندان بوده اند تا حامی منافع فقرا و ضعفا. تحت تاثیر همین نفوذ تاریخی، قانون‌گذاران امروزی هم به تدوین و تصویب قوانین به نفع ثروتمندان و قدرتمندان

Archive of SID

متماایل اند. عوامل اجرایی قانون -مانند پلیس و قضات- به همین شکل به ابزار منافع قدرتمندان و ثروتمندان تبدیل می شوند. البته این نوع گرایش در عوامل اجرایی قانون چندان مربوط به ویژگی های فردی آنان نمی شود، بلکه نوعی جبر و الزام سازمانی است. به بیان دیگر طبیعت هر سازمانی اقتضا می کند که اعضای خود را در انجام وظایفشان به رفتارهایی وادارد که پاداش ها را بیشتر و دردسرها را کمتر سازند. پاداشی که نصیب عوامل اجرایی قانون می شود، حذف دردسر کسانی است که دردسر درست می کنند، و دستگیر کردن، بازجویی، محاکمه و محکوم کردن افراد ضعیفی چون ولگردان، خانه به دوشان، زنان خودفروش و سارقان است که تصور می شود چنین نقشی را ایفا می کنند. از سوی دیگر تلاش عوامل اجرایی قانون در اجرای قانون در مورد کسانی از طبقه متوسط و بالا که مرتکب کج رفتاری های یقه سفیدان می شوند هم کار آسانی نیست و ممکن است موجب دردسر عوامل اجرای قانون شود. و همین الزامات سازمانی است که ضابطان قانون را به خدمت منافع قدرتمندان و ثروتمندان در می آورد (تیو، ۲۰۰۱: ۴۵-۴۶؛ چمبلیس ۱۹۶۹، به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۹). بر اساس نگاه چمبلیسی، دولت، عوامل کنترل اجتماعی، قوانین و تعاریف انحراف را منعکس می سازد و در خدمت آنان است. دولت به عنوان ابزار طبقه حاکم، قوانینی وضع می کند که از منافع آن حمایت می کند و قدرت آن را حفظ و طبقه تحت سلطه را کنترل کند. بنابراین می توان گفت در این جوامع، قوانین بیانگر وفاق ارزش نیستند، بلکه بازتابی از ایدئولوژی طبقه حاکم است. این قوانین، اعمال قدرت طبقه را مشروع می سازد. چمبلیس شکل گیری رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه را با ساختار طبقاتی جامعه و کنترل نهادهای قانونی توسط رده های بالای این ساختار نهفته مرتبط می داند. ساختار جامعه به درک گزینشی و انگ زنی و پیدا کردن، اقدام و مجازات کردن برخی انواع جرم و صرف نظر کردن از بعضی دیگر می پردازد.

نظریه عدالت رویه ای: تام تیلر

تام تیلر بر اساس دیدگاه هنجاری و با اتخاذ رویکرد روانشناسی اجتماعی در سطح خرد، با استفاده از سنجه های مربوط به متغیر عدالت رویه ای، به نقش و تاثیرگذاری این متغیر در شکل دهی و چرایی اطاعت افراد از قانون در جامعه می پردازد. بر اساس دیدگاه هنجاری، قانون گرایی و اطاعت افراد از قانون ناشی

از تعهد، الزام و تکلیف بیرونی هنجارهای جامعه و همزمان دستیابی به تایید ذهنی درونی نسبت به هنجارهای اجتماعی در پرتو عوامل موقعیتی پیرامون فرد است که به واسطه فرایند اجتماعی شدن، درونی شده‌اند. یعنی فرایند کنترل از اجبار و اقتدار بیرونی شروع و به درون شخص و خودکنترلی ختم می‌شود. طبق دیدگاه هنجاری، دستیابی به همکاری داوطلبانه عموم با مجریان قانون و پیروی آنان از قواعد قانونی مستلزم درونی کردن ارزشهایی است که اطاعت^۱ را تشویق می‌کنند (امیرکافی، ۱۳۹۲: ۱۵). به نظر تیلر نقطه شروع بیشتر بحث‌ها درباره قانون اطاعت است. به دلیل این که هدف ایجاد قوانین و قدرت بخشی به جایگاه‌های قانونی، تثبیت و حفظ نظم اجتماعی از طریق تنظیم رفتار عموم است. از نظر تیلر دو مدل در رابطه با همکاری و پیروی مردم از قانون و مجریان قانون وجود دارد: وی مدل اول را کنترل اجتماعی یا ابزاری می‌نامد که در آن مردم به وسیله منافع شخصی ترغیب می‌شوند. دومین، مدل مشروعیت یا هنجارهای اجتماعی است. بر اساس این مدل دیدگاه‌های مردم درباره مشروعیت نهادی و قانون، همکاری و پیروی آن‌ها را از قوانین و مجریان قانون تحت تأثیر قرار می‌دهد. در رویکرد کنترل اجتماعی استدلال می‌شود که کنش‌های مردم به وسیله منافع شخصی‌شان، خواه در شکل ضمانت‌های اجرایی یا مشوق‌ها کنترل می‌شود. استراتژی‌های کنترل اجتماعی مبتنی بر مدل بازدارندگی رفتار انسانی است. اما در رویکرد هنجاری یا غیرابزاری اکثر مردم به خاطر این از قانون اطاعت می‌کنند که آن‌ها آن را مشروع می‌دانند. به عبارت دیگر قانون، هنجارهای اخلاقی و ارزشی را اظهار می‌دارد که در سطح گسترده‌ای به وسیله گروه‌های اجتماعی مسلط و تابع پذیرفته می‌شود. او این رویکرد را "خود تنظیم کننده"^۲ می‌نامد به دلیل این که آن بر روی هنجارها، ارزشها و ترجیح‌های مردم استوار است. بر اساس این رویکرد وقتی که مردم در ارتباط با مجریان قانون قرار می‌گیرند رفتارشان به دلیل هنجارها و ارزشهای مشترک با قانون ممکن است بیشتر با انگیزش‌های درونی و کمتر تحت تأثیر ضمانت‌های اجرایی و یا مشوق‌ها قرار گیرد. در حقیقت شهروندان مسئولیت پیروی از قانون را در درونشان می‌پذیرند (تیلر و همکاران ۲۰۰۰، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ به نقل از فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۸۸). از نظر وی برای این که قانونی مؤثر باشد مردم باید از آن اطاعت

1. compliance

2. self-regulatory

Archive of SID

و نظام قانونی به شدت به اطاعت داوطلبانه مردم وابسته است. چرا که قوانین کیفری و مجریان قانون در استفاده از تنها تهدید مجازات ناتوان است. پذیرش داوطلبانه تصمیمات نیاز مجریان قانون برای تبیین و توجیه هر تصمیم و نیاز به نظارت بر اجراء را کم کرده و موجب استفاده از منابع جمعی برای تسهیل اطاعت می شود. به نظر تیلر دو عامل مهم که وابسته به نوع تعامل مجریان قانون با مردم و تجربه‌هایی که مردم در این زمینه کسب می کنند می باشد، در دستیابی به اطاعت داوطلبانه نقش مهمی دارند: اصول اخلاقی^۱ و مشروعیت^۲. (تیلر، ۱۹۹۸: ۸۵۹). به عبارت دیگر، احساس الزام و مسئولیت در پیروی از قوانین بر دو ارزش اجتماعی تمرکز دارد: ۱. باور به اینکه پیروی از قوانین از لحاظ اخلاقی کار شایسته و به جایی است و ۲. باور به اینکه قانون و مقررات مشروعیت دارند و از این رو باید از آنها اطاعت کرد (امیرکافی، ۱۳۹۲: ۱۵). وی این رویکرد را غیرابزاری می نامد که در آن نظم اجتماعی بر جلب رضایت و همکاری عموم با قانون و مجریان قانون مبتنی است. از نظر او مشروعیت با اتکا به قضاوت‌های ابزاری حاصل نمی شود، بلکه ریشه در قضاوت‌های عدالت رویه ای^۳ دارد. یعنی انگیزش مردم به حفظ نظم و همراهی با قانون، ریشه در روابط اجتماعی و قضاوت‌های اخلاقی دارد و اساسا از میل یا اجتناب از مجازات یا به دست آوردن پاداش‌ها تاثیر نمی پذیرد. از نظر او مجریان قانون به این همکاری نیازمندند، هرچند که در غیر اینصورت می توانند از ابزار کنترل اجتماعی استفاده کنند. تیلر رویکرد خود را رویکرد مشروعیت می نامد که بر احساس الزام مردم به اطاعت از تصمیمات مجریان قانون تاکید دارد. وی برای مشخص کردن چیستی عدالت رویه‌ای به مشخص کردن سه عنصر مهم که در گسترش احساس امنیت فرد در جامعه و باور به عادلانه بودن قضاوت‌ها راجع به رویه‌ها نقش دارند می پردازد که عبارتند از: اعتماد، اعتبار و بی طرفی. بی طرفی بیانگر آن است که مجریان قانون در برخوردشان با همه، رفتارهای منصفانه‌ای مانند درستکاری، عدم تبعیض و تصمیم گیری واقعی از خود نشان می دهند. تبعیض قوی ترین نشانه فقدان بی طرفی است، به دلیل این که به مردم فرصت برابر برای دسترسی به منابع اجتماعی داده نمی شود. مردم همچنین تحت تاثیر وضعیتی قرار

1. Morality

2. Legitimacy

3. Procedural justice judgments

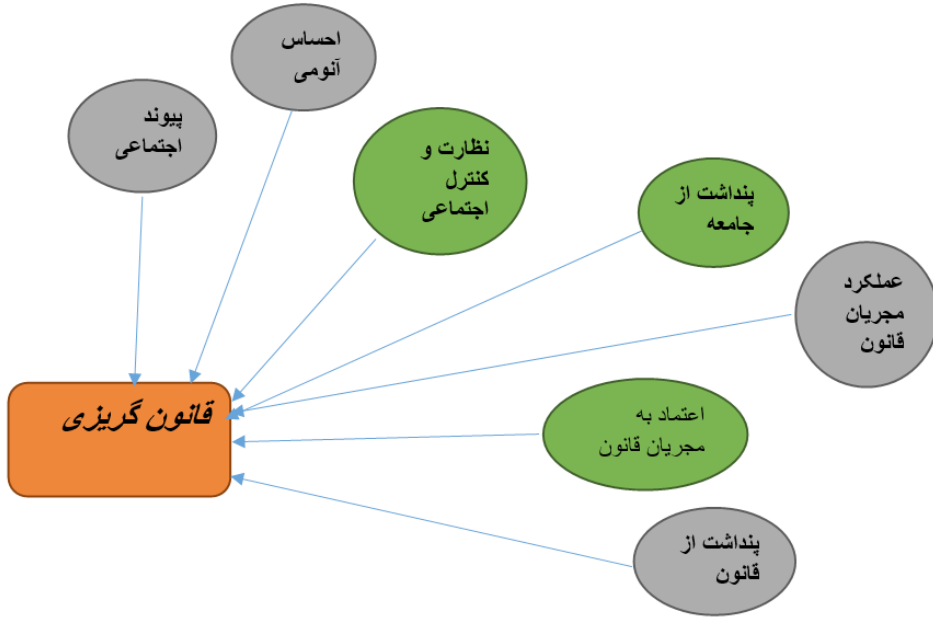


می‌گیرند که در آن احساس کنند که مجریان قانون که با آن‌ها سروکار دارند بر این نیت هستند که با آنها و دیگران رفتار منصفانه‌ای دارند. عاملی که تیلر آن را اعتماد می‌نامد. اعتبار مستقیماً با قضاوت‌های مردم درباره جایگاهشان در جامعه، که تحت تأثیر رفتار بین شخصی‌شان با مجریان قانون می‌باشد، در ارتباط است (فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۹۱). هنگامی که افراد با مجریان قانون سروکار پیدا می‌کنند، در طی تعامل، تجربه‌ها و اطلاعاتی کسب می‌کنند که از آنها برای پی بردن به انگیزه‌ها و نیات مجریان قانون استفاده می‌کنند. جنبه کلیدی در باب برخورد با کیفیت بالا این است که براساس آن می‌توان استنباط کرد که انگیزه و نیت مجریان قانون خیرخواهانه است. این استنباط تمایل افراد را برای پذیرش تصمیم مجریان قانون و اطاعت از مقررات تقویت می‌کند (تیلر، ۲۰۰۱: ۲۹۰). جنبه‌های رابطه‌ای تجربه‌هایی که مردم در برخورد با مجریان قانون کسب می‌کنند موارد مختلفی از جمله رفتار محترمانه، بی‌طرفی، فقدان جانبداری و رعایت انصاف را دربرمی‌گیرد. تیلر رفتار محترمانه و بی‌طرف را قضاوت‌های رابطه‌ای و عقیده دارد این دو عامل، همراه با دیگر جنبه‌های تجربه افراد، در برخورد با مجریان قانون بر سومین قضاوت رابطه‌ای یعنی اعتماد اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از نظر او سه قضاوت درباره ۱- مجریان قانون ۲- تصمیمات قانونی و ۳- قواعد قانونی به شدت تحت تأثیر عدالت رویه‌ای که از طریق تجربه و رابطه با مجریان قانون حاصل می‌شود، قرار می‌گیرد. در حقیقت مردم در صورتی که تشخیص دهند شیوه‌هایی که تصمیمات اتخاذ می‌شوند عادلانه است دیدگاهی منفی در مورد قانون، مجریان قانون و نظام قانونی نداشته و از قوانین اطاعت می‌کنند، حتی اگر قوانین نتایجی سودمند برای آن‌ها نداشته باشد. از نظر او مشروعیت قانون، کارگزاران قانون و قانون‌گذاران که خود تحت تأثیر عدالت رویه‌ای است در پیروی افراد از قوانین تأثیر مستقیم دارد. به نظر او وقتی بحث از مشروعیت مجریان قانون به میان می‌آید، بحث پیروی داوطلبانه^۱ از قانون و مجریان از اهمیت برخوردار می‌شود. در حقیقت در این وضعیت پیروی افراد از قانون داوطلبانه و بدون اعمال کنترل می‌باشد. مشروعیت، احساس الزام برای اطاعت از قوانین و پیروی از تصمیماتی است که به وسیله مجریان قانون اتخاذ می‌شود. بنابراین مشروعیت ارزش اجتماعی مهمی را جدا

1. Voluntary deference

Archive of SID

از منافع شخصی نشان می‌دهد. از طریق مشروعیت، مجریان قانون می‌توانند پیروی و همکاری عموم را به دست آورند (تیلر و فاگان، ۲۰۰۸ به نقل از فیروزجائیان ۱۳۸۸: ۳۹۲). در حقیقت اگر شهروندان باور کنند که مجریان قانون مشروع هستند، آن‌ها آنان را مستحق اطاعت کردن در نظر می‌گیرند. از نظر تیلر بنیان مشروعیت، عادلانه بودن رویه‌هایی است که به وسیله مجریان قانون مورد استفاده قرار می‌گیرد. اعتماد مفهومی کلیدی دیگری در نظریه تیلر در مورد اطاعت یا عدم اطاعت از قانون می‌باشد. از نظر او اگر مردم باور داشته باشند که کارگزاران با حسن نیت عمل می‌کنند احتمال بیشتری وجود دارد تا آن‌ها از روی اختیار به تصمیماتشان تن در دهند. از نظر تیلر هرچند اعتماد تحت تأثیر عدالت رویه‌ای است اما مشروعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد: تمایل مردم به اعتماد مجریان قانون و اطاعت از تصمیماتشان ریشه در قضاوت‌های مردم در مورد عادلانه بودن فرآیندهایی دارد که از طریق آنها این کارگزاران اقتدارشان را اعمال می‌کنند. هم کیفیت تصمیم‌گیری و هم کیفیت برخورد با مردم، بر قضاوت‌های عدالت رویه‌ای کلی و اعتماد به مجریان تأثیر دارد. مشروعیت کلی اساساً از طریق ارزیابی‌های منتج از قابلیت اعتماد شکل می‌گیرد. در حقیقت اعتماد به تصمیمات، حاصل از تجارب شخصی در شکل‌دهی به دیدگاهی کلی درباره مشروعیت قانون و مجریان قانون اساسی است. اعتماد جهت‌گیری کلی در مورد قانون و مجریان قانون را شکل می‌دهد (تیلر ۲۰۰۱ به نقل از همان: ۳۹۷). به طور کلی و با اتکا به رویکرد تیلر، عدالت رویه‌ای به عنوان مفهومی که متشکل از ابعاد و عناصر چندگانه می‌باشد، ماهیتی رابطه‌ای دارد که در یک طرف رابطه مردم و افراد جامعه قرار دارد و در طرف دیگر، قانون، مجریان قانون و تصمیم‌سازان قانون (نهاده‌ها) قرار دارد. در حقیقت افراد جامعه به واسطه تعامل عملی با مجریان قانون در زندگی روزمره و کسب تجربه با خود قانون و نحوه ایجاد و تصمیم‌سازی قانون آشنا می‌شوند و ضمن ارزیابی هویت خود و تعریف ذهنی جایگاه‌شان در نسبت با قانون، به شناخت قانون و میزانی از اعتماد به آن نایل می‌شوند که این وضعیت خود بستری جهت فراهم شدن مشروعیت قانون، مجریان قانون و نهادسازان قانون می‌شود.



مدل شماره ۱. مدل فرضی تحلیل قانون‌گزینی

پرسش‌های اساسی تحقیق

- وضعیت و میزان کلی قانون‌گزینی چگونه است؟
- وضعیت و میزان ابعاد قانون‌گزینی (عمومی، اداری، اقتصادی، راهنمایی و رانندگی، فرهنگی و آموزشی) هرکدام به طور جداگانه چگونه است؟
- علل اجتماعی و فرهنگی موثر در شکل‌گیری وضعیت قانون‌گزینی کدام‌اند؟

فرضیات تحقیق

بر اساس الگوی علی مزبور می‌توان فرضیه‌های محوری را به شرح زیر از این الگو اشتقاق کرد:

عوامل فرهنگی

- بین نوع پنداشت از جامعه و قانون‌گزینی رابطه است.
- بین نوع پنداشت از قانون و قانون‌گزینی رابطه است.
- بین میزان اعتماد به مجریان قانون و قانون‌گزینی رابطه است.

عوامل اجتماعی

- بین میزان رضایت از عملکرد مجریان قانون و قانون گریزی رابطه است.
- بین میزان احساس آنومی و قانون گریزی رابطه است.
- بین میزان کنترل و نظارت غیر رسمی و قانون گریزی رابطه است.
- بین میزان پیوند اجتماعی و قانون گریزی رابطه است.

روش شناسی

روش تحقیق، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تبیینی و روش غالب کمی - پیمایش^۱ است که سوالات در قالب پرسشنامه طراحی و گویه‌ها به گونه‌های متفاوتی از جمله سوالات دوگزینه، اسمی، باز و یا در یکی از سطوح اندازه گیری (اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای) طراحی و توسعه یافته اند. از آنجایی که تحقیق حاضر پیمایشی است، نمونه در بین افراد شهروندان ساکن بالای ۱۸ سال شهرستان‌های اهواز، بندر ماهشهر، خرمشهر، اندیمشک و بهبهان انتخاب شدند. انتخاب این شهرها در پرتو رویکرد توزیع فضایی توسعه اقتصادی و با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای بود. این شهرستان‌ها هرکدام در حوزه جغرافیایی خودشان جزو شهرهای پرجمعیت هستند. بنابراین از تنوع، پراکندگی، گوناگونی و ناهمگونی جمعیت برخوردار هستند. انتخاب نمونه‌ها با استفاده از نمونه گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب چند مرحله‌ای و تلاش شده که شهرستان‌هایی که دارای جمعیت و یا وسعت بیشتری می‌باشند شانس انتخاب نمونه بیشتری داشته باشند. نمونه گیری از نوع طبقه‌ای چند مرحله‌ای که لیستی از بلوک‌های هر شهر انتخاب و سپس از هرکدام از این بلوک‌ها خیابان و سپس کوچه‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب و در نهایت در درون هر کدام از کوچه‌های انتخاب شده به صورت تصادفی پرسشنامه‌های تحقیق توزیع و اطلاعات جمع آوری شد. در نهایت حجم نمونه آماری برابر با ۶۱۳ نفر محاسبه شد.

پیش‌آزمون^۲ و اعتبار و روایی تحقیق: برای بررسی روایی^۳ شاخص‌هایی که متشکل از چند گویه یا پرسش بودند عمدتاً از آلفای کرونباخ^۴ و تحلیل عامل^۵

1. Survey
2. pre-test
3. Reliability
4. Cran bachs Alphi
5. Factor analysis

جدول شماره ۳. ضرایب روایی نهایی معرف های تحقیق

۲۱۱

نتایج آزمون پایایی	تعداد معرف ها	مولفه ها	متغیرها
۰/۸۷۷	۵	۱-۱- مشارکت اجتماعی	۱- پیوند اجتماعی
۰/۷۶۸	۵	۲-۱- تعهد به هنجارها	
۰/۸۰۴	۵	۳-۱- ارتباط با دوستان	
۰/۸۵۳	۵	۴-۱- ارتباط با همسایگان	
۰/۹۲۲	۲	۵-۱- عضویت در سازمان ها	
۰/۸۴۴	۷	۶-۱- ارتباط با خانواده	
۰/۸۷۹	۲	۱-۲- خانواده، دوستان، همسایگان و همکاران	۲- نظارت و کنترل غیر رسمی
۰/۷۴۳	۳	۱-۳- احساس انومی	۳- احساس انومی
۰/۷۶۱	۶	۱-۴- احساس امنیت و احترام	۴- عملکرد مجریان قانون
۰/۷۶۲	۶	۲-۴- احساس عدالت	
۰/۸۰۱	۳	۳-۴- بی طرفی	
۰/۹۱۹	۶	۱-۵- پنداشت از جامعه	۵- پنداشت از جامعه
۰/۹۴۵	۸	۱-۶- نهادهای داخل جامعه	۶- اعتماد به مجریان
۰/۹۳۰	۸	۱-۷- قوانین مرسوم	۷- پنداشت از قانون
۰/۷۶۱	۷	۱-۸- راهنمایی و رانندگی	
۰/۷۴۳	۶	۲-۸- اداری	متغیر وابسته
۰/۷۴۶	۸	۳-۸- اقتصادی - مالی	۸- قانون گریزی
۰/۸۴۳	۸	۴-۸- عمومی	
۰/۸۲۵	۵	۵-۸- آموزشی و فرهنگی	

شاخص سازی سازه های تحقیق

پیوند اجتماعی، نظارت و کنترل غیررسمی: این مفهوم بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، در معرض نظارت و کنترل اجتماعی غیررسمی بیشتر قرار می گیرند. به بیانی دیگر، وجود پیوندهای اجتماعی موجب تولید اعتماد متقابل، تعهد و همنوایی با نظام هنجاری و ارزشی جامعه می باشد که در نهایت انتظام بخش و مقوم نظم اجتماعی است. بنابراین گریز از قانون و هنجارهای رسمی به حداقل ممکن تنزل خواهد یافت و در صورت از هم گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با

Archive of SID

جامعه و آزادی از قیود اجتماعی، کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد و احتمال وقوع قانون‌گریزی افزایش می‌یابد.

عملکرد مجریان قانون و اعتماد به مجریان قانون: این متغیرها ذیل مفهوم

عدالت رویه‌ای می‌گنجند. عدالت رویه‌ای بر قضاوت‌های افراد درباره رویه‌هایی که نهادها و افراد در اعمال قانون به کار می‌گیرند تأکید دارند. بی‌طرفی، اعتبار، احترام، عدم تبعیض در رفتار از جمله عوامل کلیدی در عدالت رویه‌ای است. بنابراین عدم عدالت رویه‌ای به معنی رفتارهای طرف دارانه، عدم احترام و تبعیض آمیز مجریان قانون با مردم است. موضوعات مورد مطالعه نمایندگان مجلس، کارکنان شهرداری، کارکنان ادارات دولتی، کارکنان نهادهای نظارتی (بازرسی، دیوان محاسبات، ...)، مدیران دستگاه‌های دولتی، پلیس نیروی انتظامی و قضات دادگاه می‌باشند که به صورت سؤالاتی در قالب ۷ گزینه و در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

احساس انومی: محیط زندگی و تجربه زیسته تأثیرات ژرف و عمیقی در هستی

و مناسبات فرد در جامعه می‌گذارد؛ به صورتی که شیوه‌های زیست و تعاملاتی که یک فرد در اجتماع و با محیط پیرامون خویش اعم از نهادها، نمادها، افراد، خانواده، رسانه‌ها، قانون، و... دارد می‌تواند نحوه ساخت‌یابی و پی‌ریزی الگوی رفتاری-کنشی وی را شکل دهد و در وجهی دیگر منجر به شکل‌گیری یک نوع احساس (مثبت / منفی، خوشایند / ناخوشایند) در فرد نسبت به محیط زندگی‌اش شود. بر این اساس پیش فرض متغیر فعلی در سطح خرد این است که افراد مورد مطالعه با توجه به تجربه زیسته در زندگی شان یک نوع برداشت، تفسیر و ادراک منحصر به خود در ارتباط با نهادهای داخل جامعه و عملکرد آنان و موضوعاتی چون؛ سامان‌مند بودن یا احساس آنومیک دارا می‌باشند که بر اساس آن قضاوت و این برداشت بر کنش قانون‌گریزانه و قانون‌گرایانه آنان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد. این متغیرها با مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معرف‌های مناسب مرتبط به هم در قالب طیف لیکرت و در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

پنداشت از اعیان فرهنگی و اجتماعی (جامعه و قانون): معنا و تعریف و

تحلیل افراد از زندگی اجتماعی و واقعیت تجربی پیرامون، چگونگی کنش و عمل آنان را شکل می‌دهد. فرایندی که طی آن، درک ما از واقعیت به میزان زیادی بر

اساس معنایی که به صورت ذهنی به یک تجربه می دهیم، شکل می گیرد (برگر و لا کمن، ۱۳۷۹: ۳۸). ما در برابر واقعیت و اعیان فرهنگی و اجتماعی به همان شکلی واکنش نشان می دهیم که آن را می بینیم. یعنی تحلیل و تعریف ما از بافت جامعه ای که در آن هستیم تعیین کننده بهترین علایق ماست و به همین ترتیب نگرش ها و اقدامات خویش را نیز با آن منطبق می کنیم. اعیان مورد مطالعه در اینجا متغیر قانون و جامعه می باشند که به عنوان ورودی های حاصل از فرایند اجتماعی شدن به حساب می آیند. این متغیر به این موضوع اشاره دارد که پنداشت و معنای افراد که از طریق فرایند اجتماعی شدن و تجربه زیسته کسب کرده اند، به صورت نظام هنجاری در می آید و سوگیری های عاطفی، شناختی و هنجاری عمل و رفتارشان را در ارتباط و مواجهه با نظم و عوامل زمینه ساز و تولید کننده نظم تعیین می کند. آنانی که پنداشت های مثبت و ارزشهای عام تری نسبت به قانون، نظم، قانون گرایی و جامعه دارند، از میزان آمادگی بیشتری برای عمل و کنش قانونمند برخوردارند. این متغیرها با مجموعه ای از شاخص ها و معرف های مناسب مرتبط به هم در قالب طیف لیکرت و در سطح فاصله ای مورد سنجش قرار گرفته اند.

یافته های تحقیق

یافته های توصیفی

جدول شماره ۴. مشخصات جمعیت مورد بررسی از لحاظ متغیرهای زمینه ای

متغیر	گزینه ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۳۱۴	۵۱/۲
	زن	۲۹۹	۴۸/۸
وضعیت تاهل	مجرد	۲۰۰	۳۲/۶
	متاهل	۴۱۳	۶۷/۴
سن	۱۸-۲۷	۲۲۰	۳۵/۹
	۲۸-۳۵	۱۵۱	۲۴/۶
	۳۶-۴۳	۱۸۱	۲۹/۵
	۴۴ سال به بالا	۶۱	۱۰



وضعیت شغلی	دولتی	۲۱۶	۳۵/۳
	غیردولتی	۲۴۷	۴۰/۳
	سایر	۶۱۳	۲۴/۴
تعلق قومی	فارس	۶۰	۹/۸
	عرب	۲۹۱	۴۷/۵
	بختیاری	۱۹۰	۳۱
	لر	۶۰	۹/۸
	سایر	۱۲	۱/۹
	مجموع	۶۱۳	۱۰۰

به لحاظ جنسیت حدود ۵۱/۲ درصد از پاسخگویان را مردان و حدود ۴۸/۸ بقیه را زنان تشکیل می دهند. به لحاظ وضعیت تاهل حدود ۳۲/۶ مجرد و حدود ۶۷/۴ را متاهل ها تشکیل می دهند. از لحاظ متغیر سن، بیشتر پاسخگویان (۳۵/۹) در گروه سنی ۱۸ تا ۲۷ قرار می گیرند. به لحاظ وضعیت و نوع شغل، ۳۵/۳ درصد در مشاغل دولتی و ۴۰/۳ در مشاغل غیر دولتی قرار می گیرند. به لحاظ تعلق قومی نیز بیشترین تعلق (۴۷/۵) مربوط به قومیت عرب است.

جدول شماره ۵. توزیع رتبه بندی نمره پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	سطح سنجش (درصد)						
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین از ۵	انحراف استاندارد
نظارت و کنترل غیر رسمی	۱۷/۵	۲۰/۲	۳۰/۸	۱۷/۱	۱۴/۴	۲/۹۰	۱/۲۸
احساس آنومی	۱۳/۱	۱۷/۱	۲۷/۴	۱۴/۷	۲۷/۷	۳/۲۷	۱/۳۷
پنداشت از قانون	۱۲/۵	۹/۵	۱۶/۶	۲۴/۸	۳۶/۵	۳/۶۳	۱/۳۸
پنداشت از جامعه	۱۴/۷	۱۰/۳	۳۲/۳	۲۴/۸	۱۷/۹	۳/۲۱	۱/۲۷
اعتماد به مجریان	۱۷/۶	۲۵/۱	۱۲/۱	۲۲/۲	۲۳	۳/۰۸	۱/۴۴
رضایت از عملکرد مجریان قانون	۱۶/۸	۱۶/۲	۳۰/۶	۲۰/۴	۱۶	۳/۰۳	۱/۲۹

۱/۴۲	۳/۱۸	۲۷/۴	۱۵	۲۰/۱	۲۲/۸	۱۴/۷	پیوند اجتماعی
۰/۹۰	۲/۸۳	۴/۶	۱۳/۷	۴۸/۲	۲۷/۱	۶/۴	قانون گریزی مالی - اقتصادی
۱/۰۸	۲/۳۵	۵/۱	۱۶/۶	۲/۱	۶۰/۵	۱۵/۷	قانون گریزی عمومی
۰/۹۷	۲/۳۳	۶	۱/۳	۲۹/۷	۴۶	۱۷	قانون گریزی اداری
۱/۱۹	۲/۲۳	۶/۵	۱۱/۸	۱۰/۲	۴۰/۷	۳۰/۷	قانون گریزی فرهنگی - آموزشی
۱/۱۰	۲/۷۹	۱۰/۸	۱۱/۴	۳۲/۳	۳۶/۹	۸/۶	قانون گریزی راهنمایی و رانندگی

در خصوص متغیرهای مستقل می توان گفت که در مجموع پاسخگویان نظارت و کنترل غیر رسمی پایین (میانگین ۲/۹۰) با امتیاز ۶۸/۵ از متوسط به پایین در زندگی اجتماعی خود برخوردارند. همچنین پاسخگویان احساس آنومی (میانگین ۳/۲۷) متوسط به بالایی دارند. نتایج به تفکیک پنداشت از قانون (میانگین ۳/۶۳) و جامعه (میانگین ۳/۲۱) نشان می دهد که پاسخگویان تا حدودی پنداشت مثبت و عام گرایی از واقعیت ها و اعیان اجتماعی و فرهنگی دارند. همچنین یافته ها نشان می دهد که اعتماد به مجریان قانون و رضایت از عملکرد آنان با میانگین (۳/۰۸ و ۳/۰۳) به ترتیب در حد متوسط است. به لحاظ پیوند اجتماعی نیز پاسخگویان (میانگین ۳/۱۸) از وضعیت متوسط به بالایی برخوردارند. اما نتایج در ارتباط با ابعاد متغیر وابسته حاکی از آن است که تقریباً تمام ابعاد از میانگین مشابه نزدیک به هم برخوردارند و بیشترین و کمترین حوزه ای که در آن پاسخگویان مرتکب قانون گریزی شده اند به ترتیب قانون گریزی مالی - اقتصادی (میانگین ۲/۸۳) و فرهنگی - آموزشی (میانگین ۲/۲۳) بوده است.



جدول شماره ۶. آزمون تفاوت شاخص ترکیبی قانون گریزی به تفکیک متغیرهای زمینه ای

معناداری	میزان t	انحراف معیار	میانگین قانون گریزی	فراوانی	متغیرها	
۰/۰۰۰	۱۵/۰۵	۴۹/۳۲	۹۷/۷۹	۳۱۴	مرد	جنسیت
		۱۶/۸۱	۵۱/۲۲	۲۸۱	زن	
۰/۰۱	۱/۷۷	۴۱/۵۳	۸۰/۶۳	۱۸۲	مجرد	وضعیت تاهل
		۴۵/۲۵	۷۳/۶۷	۴۱۳	متاهل	
۰/۰۰۰	۳//۵۱	۶۰/۱۲	۸۶/۱۵	۲۱۶	دولتی	وضعیت شغلی
		۲۸/۲۸	۷۰/۶۲	۲۲۹	غیردولتی	

یافته‌های پژوهش در خصوص قانون گریزی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل و وضعیت شغلی رابطه معناداری رابطه معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که مردها (با میانگین ۹۷/۷۹) قانون گریزتر از زن‌ها (با میانگین ۵۱/۲۲) می‌باشند. همچنین نتیجه آزمون حاکی از آن است که مجردها (میانگین ۸۰/۶۳) گریز از قانون بیشتری نسبت به متاهل‌ها (میانگین ۷۳/۶۷) داشته‌اند. بر اساس اطلاعات جدول نیز مشخص شد که افراد دارای شغل دولتی (میانگین ۸۶/۱۵) قانون گریزی بیشتری نسبت به افراد دارای شغل آزاد (۷۰/۶۲) داشته‌اند.

جدول شماره ۷. ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و مولفه‌های

قانون گریزی

رضایت از عملکرد نهادها	پیوند اجتماعی	اعتماد به نهادها	پنداشت از جامعه	پنداشت از قانون	آنومی	نظارت اجتماعی	متغیرها
۰/۳۵۷**	۰/۳۲۹**	۰/۲۲۶**	۰/۲۱۱**	۰/۰۱۵	۰/۸۹*	۰/۱۴۲**	ابعاد قانون گریزی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۱۳	۰/۰۲	۰/۰۰۰	



۰/۳۶ ۰/۳۱۳	۰/۰۹۳* ۰/۰۲	۰/۹۷* ۰/۰۱	۰/۰۲۱ ۰/۵۹۹	۰/۰۱۱ ۰/۷۹۳	۰/۱۷۸** ۰/۰۰۰	۰/۰۰۸ ۰/۸۴۴	قانون گریزی اداری
-۰/۱۹۱** ۰/۰۰۰	-۰/۱۱۸** ۰/۰۰	-۳۷ ۰/۳۶۱	-۰/۲۹۳** ۰/۰۰۰	۰/۰۶۵ ۰/۱۰۸	۰/۱۳۰** ۰/۰۰۱	۰/۰۰۳ ۰/۹۳۵	قانون گریزی مالی- اقتصادی
-۰/۲۴۹** ۰/۰۰۰	-۰/۳۱۳** ۰/۰۰۰	۰/۲۱۱** ۰/۰۰۰	-۰/۲۰۲** ۰/۰۰۰	-۰/۰۶۵ ۰/۱۲۳	۰/۲۰۰** ۰/۰۰۰	۰/۱۴۰** ۰/۰۰۱	قانون گریزی آموزشی-فرهنگی
-۰/۱۳۴** ۰/۰۰۰	-۰/۲۶۰ ۰/۰۰۰	۰/۰۴۶ ۰/۲۵۸	-۰/۶۲۷** ۰/۰۰۰	۰/۰۲۸ ۰/۴۰۷	۰/۰۷۶ ۰/۰۵	-۰/۰۴۲ ۰/۲۰۲	قانون گریزی راهنمایی و راندگی
-۰/۲۶۲** ۰/۰۰۰	-۰/۳۰۴** ۰/۰۰۰	۰/۰۶۵ ۰/۱۱۴	-۰/۵۲۱** ۰/۰۰۰	۰/۰۲۴ ۰/۵۶۱	۰/۰۸۰ ۰/۰۵	۰/۰۵۱ ۰/۲۱۷	شاخص ترکیبی قانون گریزی

** همبستگی در سطح ۰/۹۹ درصد * همبستگی در سطح ۰/۹۵ درصد

نتایج ضریب همبستگی پیرسون (جدول شماره ۴) نشان می دهد که بین احساس
آنومی و قانون گریزی رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی ۰/۰۸۰ و
جهت رابطه مستقیم مثبت می باشد. به این معنی که با بالا رفتن میزان احساس
آنومی شاهد افزایش در رفتارهای قانون گریزانه هستیم. همچنین با توجه به جهت
ضریب همبستگی، با داشتن پنداشت و فهم عام گرایانه و مثبت از جامعه (۰/۵۲۱)
میزان قانون گریزی کاهش می یابد. به صورتی که افراد نسبت به جامعه، افراد
ونهادهای آن دید فراگیرتر و شاهد پیوند بیشتر افراد با جامعه هستیم. همین وضعیت
در ارتباط با پیوند اجتماعی هم شاهد می باشیم. درارتباط با رضایت از عملکرد
نهادها نیز شاهد رابطه معنادار می باشیم. به طوری که جهت رابطه منفی و معکوس
با ضریب ۰/۲۶۲ است؛ یعنی هر چه میزان رضایت از عملکرد نهادها بیشتر باشد،
ارتکاب رفتار قانون گریزانه نیز کاهش می یابد.



نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر قانون گریزی (شاخص ترکیبی) Method=Septwise					ضرایب استاندارد و غیراستاندارد درباره عوامل موثر بر قانون گریزی (شاخص ترکیبی)				
Sig	F	adj .	R	Sig	T	Beta	b	متغیرهای داخل معادله	
				۰/۰۰۰	۲۰/۵۲۱	---	۱۹۱/۵۷۶	مقدار ثابت	
۰/۰۰۰	۸۰/۱۱۶	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۶۳	۰/۰۰۰	-۱۷/۳۵۳	۰/۶۱۰	-۵/۵۵۹	پنداشت از جامعه
					۰/۰۰۰	-۷/۰۶۱	۰/۲۳۴	۳/۲۸۳	پیوند اجتماعی
					۰/۰۰۰	۶/۴۴	۰/۲۲۳	۰/۲۲۳	نظارت اجتماعی غیر رسمی
					۰/۰۰۰	۵/۶۶۰	۰/۱۸۷	۱/۹۳۱	احساس انومی
					۰/۰۰۴	-۲/۹۲۴	-۰/۰۹۸	-۰/۶۱۱	رضایت از عملکرد سازمان ها

جدول شماره ۸ سهم نسبی متغیرهای مستقل و منعکس کننده تنها متغیرهایی است که در الگوها باقی ماندند، شاخص کلی قانون گریزی (تمام ابعاد) به عنوان متغیر وابسته تحقیق را گزارش می کند. یافته های جدول حاکی از این است که در میان متغیرهای مستقل باقیمانده در معادله، پنداشت از جامعه بیشترین سهم را در توضیح قانون گریزی به عهده دارد. و این در واقع یکی از فرضیه های محوری پژوهش حاضر را تأیید می کند. بدین معنا که هر چه افراد جامعه در فرایند اجتماعی شدن رسمی و غیر رسمی درک و فهم مثبت و عام گرایانه تری از جامعه و نهادهای آن داشته باشند، خود را بیشتر جزئی از جامعه و اجتماع ملی می دانند و بر آن اساس سعی در تعریض و تحکیم هنجارهای اجتماعی داشته و احساس تکلیف بیش تری در راستای انجام آنها خواهند داشت. در این صورت آمادگی عمل بیش تری دارند تا به انجام کنش هنجارمند در انجام امور روزمره خود بپردازند و در قبال جامعه احساس مسوولیت می کنند. به دنبال آن متغیرهای پیوند اجتماعی، نظارت اجتماعی غیر رسمی و احساس انومی قرار می گیرند که به ترتیب دارای تاثیر معنادار بر قانون گریزی هستند. این یافته ها به این نکته مهم اشاره دارند



که هرچه قدر فرد حائز پیوند اجتماعی و شبکه اتصال اجتماعی^۱ قوی باشد، به همان نسبت در معرض نظارت اجتماعی، انسجام و انطباق بیش تر از سوی اطرافیان و با جامعه قرار می گیرد و در نتیجه احساس آنومی فردی و جمعی کم تری دچار می شود و آمادگی بیش تری دارد تا قانون و حقوق جامعه و افراد را در رفتار خود رعایت کند. تاثیر متغیر مستقل رضایت از عملکرد سازمان ها منفی است.

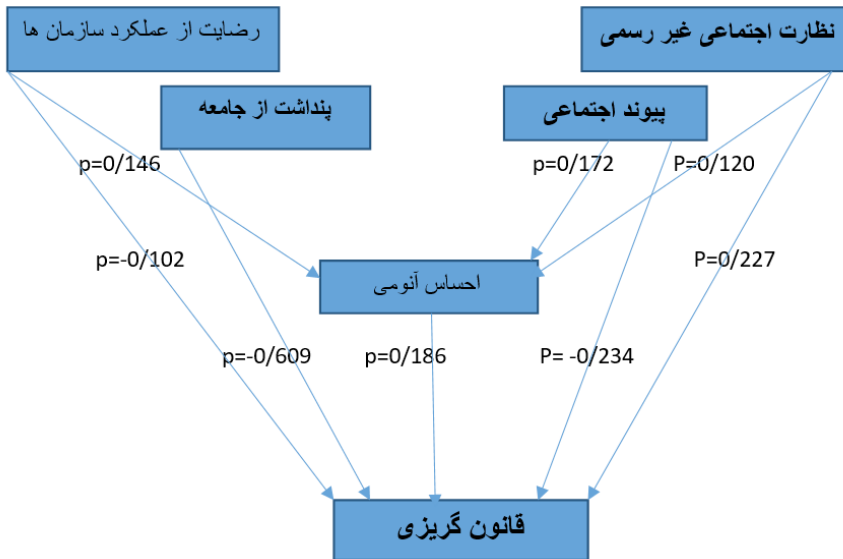
قانون گریزی=پنداشت از جامعه(۰/۶۱۰)+پیوند اجتماعی(۰/۲۳۴)+نظارت اجتماعی غیر رسمی(۰/۲۲۳)+احساس

آنومی(۰/۱۸۷) + رضایت از عملکرد سازمان ها(۰/۹۸)

گرچه این تاثیر ناچیز است، اما جهت آن نشان می دهد که هرگاه اجرای قانون توسط نهادها و سازمان های جامعه همراه با قانون گرایی و عدالت عجین شوند، رضایت افراد جامعه را به دنبال دارد و در نتیجه شاهد رفتارهای قانون مند از سوی افراد جامعه خواهیم بود. ضریب تعیین (R²) به دست آمده در ارتباط با قانون گریزی برابر با ۰/۴۰ می باشد. این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله تنها توانسته ۴۰ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین کند. با توجه به نتایج، می توان معادلات رگرسیونی استاندارد را به شرح زیر نوشت:

$$YZ = B^1 Z^1 + B^2 Z^2 \dots + B^k Z^k$$

ارقام مندرج در معادله به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر مستقل (مثلا پنداشت از جامعه یک درصد)، انجام رفتار قانون گریزانه به اندازه ۰/۶۱ انحراف استاندارد کاهش می یابد. در اینجا ملاحظه می شود که مجموعه متغیرهای باقیمانده در معادله در چارچوب مفهومی مورد توجه توانسته اند در مجموع سهم قابل قبولی (۰/۴۰) از تغییرات شاخص کلی قانون گریزی را تبیین و قابل پیش بینی کنند. بر این اساس فرضیات شماره ۱، ۲، ۵، ۶ و ۷ مورد تایید قرار گرفتند.



نبرهای پنداشت از جامعه و رضایت از عملکرد سازمان ها به ترتیب دارای بیشترین و کمترین سهم تاثیر مستقیم در تبیین متغیر وابسته داشته اند.

مدل شماره ۳. دیاگرام مسیر که بر اساس یافته های تجربی پژوهش تایید و تنظیم شده است.

همان طور که دیاگرام مسیر (مدل شماره ۳) نشان می دهد پنداشت از جامعه بالاترین سهم (تاثیر مستقیم) را بر نمره قانون گریزی دارد. میزان تاثیر این متغیر $0/609$ است. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که نوع فهم و درک از جامعه (مثبت یا منفی، عام گرا یا خاص گرا بودن) موجب تغییر در نمره و نیز میزان رفتار قانون گریزانه می شود. به عبارتی هرچه فهم مثبت و عام گرا از جامعه بیشتر باشد فرد احساس تعلق و همنوایی بیشتری با هنجارها و قوانین اجتماعی دارد و بر آن اساس امکان رفتار قانون گریزانه بیشتر می شود. پیوند اجتماعی نیز به عنوان دومین تبیین کننده متغیر وابسته با ضریب $0/234$ نشان می دهد که هرچه میزان پیوند اجتماعی، شبکه تعاملات و مواضع شبکه ای^۲ فرد با جامعه افزایش یابد نمره قانون گریزی نیز افزایش می یابد. نظارت اجتماعی غیر رسمی با ضریب $0/227$ به عنوان سومین تبیین کننده بیانگر آن است که هرچه نظارت و کنترل اجتماعی بیشتر باشد احساس انومی کمتر و در نتیجه امکان رفتارهای قانون گرا نیز بیشتر

1. Path analysis
2. network positions



می شود. احساس آتومی و رضایت از عملکرد سازمان‌ها به عنوان تبیین کننده های بعدی نیز به ترتیب با ضریب مسیرهای ۰/۱۸۵ و ۰/۱۰۲ که حاکی از این است که هرچه رضایت از عملکرد سازمان‌ها بیشتر باشد، هم‌زمان شاهد کاهش احساس آتومی در نزد افراد خواهیم بود و به همین ترتیب میزان رفتارهای قانون‌گريزانه کاهش می‌یابد.

نتیجه گیری

نظم اجتماعی یکی از موضوعات مهم اساسی در هر جامعه‌ای و در این میان قانون یکی از لوازم ضروری و حیاتی تامین نظم در جامعه است. قانون‌گریزی نوعی تمایل منفی و جهت‌گیری^۱ ناهمنوایانه نسبت به قوانین رسمی و هنجارهای قانونی در جامعه است که شخص به صورت آگاهانه و به عمد سعی در سرپیچی و عدم اطاعت از آن‌ها دارد. در زندگی اجتماعی امروزه از یک سو با توجه به پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و از سوی دیگر شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی، مطالعه نظم و قانون از اهمیت و ضرورت بالای برخوردار است. در این تحقیق قانون‌گریزی را بر حسب ویژگی‌های آن و با توجه به ابعاد جامعه به قانون‌گریزی عمومی، قانون‌گریزی اداری، قانون‌گریزی مالی، قانون‌گریزی راهنمایی و رانندگی و قانون‌گریزی فرهنگی-آموزشی تقسیم نمودیم. تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اصلی بود که "مهمترین عوامل موثر بر قانون‌گریزی (تمام ابعاد) کدامند؟". جدول توزیع توصیفی امتیاز انواع قانون‌گریزی نشان داد که بیشترین کمترین حوزه‌ای که در آن پاسخگویان مرتکب قانون‌گریزی شده‌اند به ترتیب قانون‌گریزی مالی-اقتصادی (میانگین ۲/۸۳) و فرهنگی-آموزشی (میانگین ۲/۲۳) بوده است. نتایج ضریب همبستگی (جدول شماره ۴) نشان می‌دهد که بین احساس آتومی و قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی ۰/۰۸۰ و جهت رابطه مستقیم مثبت می‌باشد. به این معنی که با بالا رفتن میزان احساس آتومی شاهد افزایش در رفتارهای قانون‌گريزانه هستیم. همچنین با توجه به جهت ضریب همبستگی، با داشتن پنداشت و فهم عام‌گرایانه و مثبت از جامعه (۰/۵۲۱) میزان قانون‌گریزی کاهش می‌یابد. به صورتی که افراد نسبت به جامعه، افراد و نهادهای آن دید فراگیرتر و شاهد پیوند بیشتر افراد با جامعه هستیم. همین وضعیت

Archive of SID

در ارتباط با پیوند اجتماعی هم شاهد می‌باشیم. درارتباط با رضایت از عملکرد نهادها نیز شاهد رابطه معنادار می‌باشیم. به طوری که جهت رابطه منفی و معکوس با ضریب ۰/۲۶۲ است؛ یعنی هر چه میزان رضایت از عملکرد نهادها بیشتر باشد، ارتکاب رفتار قانون گریزانه نیز کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیات زیر که:

- بین میزان احساس آنومی و قانون‌گریزی رابطه وجود دارد؛
- بین نوع پنداشت و فهم از جامعه و قانون‌گریزی رابطه وجود دارد؛
- بین میزان پیوند اجتماعی و قانون‌گریزی رابطه وجود دارد؛
- بین میزان رضایت از عملکرد سازمان‌ها و قانون‌گریزی رابطه وجود دارد؛ مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش حاضر همسو با پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۹)، رضایی (۱۳۸۴)، عبداللهی (۱۳۷۸) و رفیع پور (۱۳۷۸) است. ضمناً تحلیل آماری نشان داد که از میان متغیرهای مستقل باقیمانده در معادله، پنداشت از جامعه بیشترین سهم را در توضیح قانون‌گریزی به عهده دارد. و این در واقع یکی از فرضیه‌های محوری پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. بدین معنا که هر چه افراد جامعه در فرایند اجتماعی شدن رسمی و غیررسمی درک و فهم مثبت و عام‌گرایانه‌تری از جامعه و نهادهای آن داشته باشند، خود را بیشتر جزئی از جامعه و اجتماع ملی می‌دانند و بر آن اساس سعی در تعریض و تحکیم هنجارهای اجتماعی داشته و احساس تکلیف بیشتری در راستای انجام تعهدات اجتماعی^۱ خواهند داشت. در این صورت آمادگی عمل بیش‌تری دارند تا به انجام کنش هنجارمند در انجام امور روزمره خود پردازند و در قبال جامعه احساس مسئولیت می‌کنند. نتایج حاصل از مدل تجربی تحلیل مسیر پژوهش حاکی از همسو بودن نتایج با دیگر تحلیل‌های آماری دارد و نتایج مشابه‌ای را به نمایش گذاشت؛ به صورتی که در آنجا نیز پنداشت از جامعه بالاترین سهم (تأثیر مستقیم) را بر نمره قانون‌گریزی دارد. میزان تأثیر این متغیر ۰/۶۰۹ است. در پایان می‌توان اظهار داشت که با وجود قانون‌گریزی، شاهد اختلال در نظام هنجاری، آنومی اجتماعی و اتخاذ کنش‌های منفعت طلبانه خودخواهانه از سوی افراد در جامعه خواهیم بود که موجب بی‌نظمی در ایفای نقش‌ها در جامعه و حقوق و تکالیف مترتب بر آن‌ها می‌باشیم که در سطحی کلان‌تر انسجام اجتماعی،

1. Social Commitment



وفاق جمعی فراگیر و تنظیم و نظم عمومی عام دچار اختلال و آتومی خواهد شد.

پیشنهادات

- با امعان نظر در نتایج و یافته‌های تجربی پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:
- اتخاذ یک نگاه کلی همه جانبه همراه با رویکرد تاریخی-تاویلی که در آن به نقد و ارزیابی موارد تاریخی و سنتی مربوط به نظم، قانون، حاکمیت قانون، قانون مداری و رفتارهای ناهنجار فردی و جمعی پرداخته شود و سعی شود یک فهم و معنایی مطابق با شرایط و مقتضیات امروزی با حفظ هویت صورت گیرد.
- ارتقا سطح توسعه فرهنگی و تعمیم زبان و فهم مشترک وهمگانی از اعیان فرهنگی و اجتماعی نظیر قانون و قواعد حقوقی در جامعه به شیوه‌ای خردمندانه و قابل قبول برای همگان که به تقویت حس مثبت و تعهد و تکلیف در برابر هنجارهای قانونی بیانجامد.
- تقویت نهادهای مستقل مدنی در جهت پل زدن و پر کردن شکاف بین ملت و دولت باشد؛ به صورتی که افراد جامعه به قانون به عنوان یک امر سیاسی-دولتی صرف نگاه نکنند و نگاه تخصصی به آن نداشته باشند و در نتیجه از گسترش شرایط نابسامان جلوگیری شود.
- قانون‌گریزی همزمان هم علت و هم نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نقاط اتصال و گره‌های به هم پیوسته و نیز پیوندهای اجتماعی در جامعه می‌باشد. کاهش سرمایه اجتماعی موجب اختلال در نظام کنشی و تعاملات درون گروهی و بین گروهی و به طور کلی عدم تعهد فرد نسبت به هنجارهای رسمی و غیررسمی جامعه می‌شود. از انجائی که به باور اندیشمندان متعدد شاهد تخریب و فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران هستیم، باید ضمن جلوگیری از فرسایش بیشتر آن، به تقویت و اعتماد تعمیم یافته در قسمت‌هایی همچون تنظیم و تصویب قانون، اجرای قانون، حاکمیت قانون و... پرداخت.
- باید در اجرای قانون، آموزش قانون، فرهنگ سازی، تبلیغ قانون‌گرایی، تنظیم قانون و... تصریح ارزشی و هنجاری مد نظر قرار گیرد و از ابهام و دوپهلوی بودن قانون پرهیز گردد. یعنی به عنوان قواعد و دستورالعمل‌های رسمی اجتماعی باید تا حد امکان شفاف سازی واز وضعیت‌های دوپهلوی و ابهامی و تفسیرپذیر

خارج گردد.

■ در مراحل تنظیم و تصویب، اجراء، آموزش و . . قانون، باید تعمیم قانونی در نظر گرفته شود. برای این که هنجارهای قانونی و حقوقی بتوانند در سطح جامعه کارا و منصفانه باشند، لازم است حداقل حائز دو خصلت اساسی باشند. یکی اینکه از سطح بالایی از انتزاع برخوردار باشند و حوزه ی وسیع زمانی و مکانی از جامعه را پوشش دهند و دوم اینکه عمومی باشند تا جایی که بتوانند شامل قریب به اتفاق اکثریت و تمامی افراد جامعه شود. یعنی واجد عدالت اجتماعی شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

■ استفاده از رسانه های جمعی در جهت رشد، آموزش و تقویت آگاهی قانونی شهروندان.

■ با اشاره به نقش و تاثیر متغیر رضایت از عملکرد سازمان ها و مسولان سازمان ها، می توان پیشنهاد داد که دست اندرکاران جامعه و نهادهای داخل جامعه در اجرای قانون برخوردهای توأم با احترام، بی طرفی در اعمال قانون و عدالت در اجرای قانون را مد نظر داشته باشند.

- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه رجب‌زاده و دیگران، تهران، نشر سفیر.
- ۲۲۵ ■ امیرکافی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر تخلفات رانندگی موتورسواران (مطالعه‌ای در شهر کرمان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان، صص ۳۵-۵.
- برگر، پیترو. ل و لوکمان، توماس (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)، فریبرز مجیدی (مترجم)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- بخارایی، احمد (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- پروین، فرهاد (۱۳۹۲). قانون‌گریزی، نقض متقابل حقوق شهروندی، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره دوم (پیاپی ۹۷)، تابستان. صص ۱۷۵-۱۸۶.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران، نشر نی.
- حیدری، آرش، رضادوست، کریم و فروتن کیا، شهرزاد (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، صص ۳۹-۵۲.
- دانایی‌فرد. حسن، آذر، عادل و صالحی، حسن (۱۳۸۹). قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۷-۶۵.
- دینا، کندهال (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی معاصر، فریده همتی (مترجم)، تهران، نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- رضایی، محمد (۱۳۹۳). بی‌انضباطی و قانون‌گریزی؛ در جستجوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره دوازدهم، پاییز، صص ۷-۳۹.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون‌گریزی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳. پاییز. صص ۴۷-۶۹.

Archive of SID

- رضایی محمد، عباداللهی، حمید(۱۳۸۵). جامعه بی انضباط؛ فراتحلیل قانون گریزی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۷، سال هفتم، شماره ۳. صص ۶۷-۹۲.
- ربیعی، علی(۱۳۸۳)زنده باد فساد. تهران، نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران، نشر سروش.
- ستوده، هدایت الله(۱۳۸۰). آسیب شناسی اجتماعی، تهران. نشر آوای نور، ویرایش دوم، چاپ هشتم.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۷). آسیب شناسی اجتماعی، تهران. نشر سمت، چاپ چهارم.
- عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر(۱۳۸۶)، "سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود دورنمای آینده و امکان شناسی گذار"، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۲۵: ۱۹۳-۲۳۴.
- عبداللهی، محمد(۱۳۷۸). موانع قانون گریزی و راه های مقابله با آن، در قانون گرایي و فرهنگ عمومی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
- عبدی، عباس(۱۳۸۰). فقدان حاکمیت قانون. نامه انجمن جامعه شناسی ایران، بهار، شماره ۶، صص ۱۵۱-۱۵۹.
- علی بابایی، یحیی و علی فیروزجائیان(۱۳۸۸). تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر قانون گریزی، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره ۴، ص ص ۷-۵۸.
- علیخواه، فردین(۱۳۹۳). تقلب در امتحان؛ نگاهی از درون، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۷، پاییز، ص ص ۱۶۱-۱۸۸.
- فیروزجائیان، علی اصغر(۱۳۸۹). قانون گریزی(تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه ای)، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم شماره ۴۲. صص ۳۸۱-۴۱۰.
- کلاتری، صمد؛ ربانی، رسول و صداقت، کامران(۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل گیری آسیب اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، سال ۱۸. صص ۲۳-۱.



- گرث، هانس؛ رایت میلز، سی (۱۳۸۰). منش فرد و ساختارهای اجتماعی (روانشناسی نهادهای اجتماعی)، اکبر افسری (مترجم)، نشر آگه، چاپ اول، تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۸). بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار. صص ۸۴-۱۰۸.
- مرتن، رابرت (۱۳۸۳). ساختار اجتماعی و بی‌هنجاری، در کتاب نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، نوشته کوزر لوئیس و روزنبرگ، برنارد، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشرنی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۰). نابسامانی اجتماعی یا سازگاری عرفی، نامه انجمن جامعه‌شناسی، شماره ۳، ویژه نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران (۱) صص ۸۳-۱۰۱.
- ممبینی، ایمان (۱۳۹۳) دلایل افزایش جمعیت کیفری زندان‌های استان خوزستان، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی خوزستان.
- Alan Riiska Scott (2004), The Analytical sociology of Law and Grime; How people and Their Actions Become criminal, Submitted to the faculty of the college of Arts and sciences of American University in partial Fulfillment of Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy in sociology. American University LIBRARY.
- Bhushan. B (1994). Dictionary of sociology. New Delhi. Anome.
- Forst, B (1993) The Socio-economics of Crime and Justice London, Sharp. Inc.
- Hirschi, T (1969). Causes of delinquency. Berkeley, CA; university of California Press.
- Steven F. Messner and Richard Rosenfeld (2009). “ Institutional



Archive of SID

- anomie theory; a macro-sociological explanation of crime” in krohn, marvin D;lizotte j, and hall Gina penly(eds) Handbook on Crime and Deviance:NY;Springer:pp:234 -209.
- Tyler, Tom R(2001). Trust and Law—Abidingness; A proactive model of social Regulation. centre for Tax system integrity Reserch school of social sciences Australian National University Canberra. ACT. ISSN 8211-1444.
 - Tyler, Tom R(2003). Procedural justice legitimacy and the effectiveness of law, crime and justice. 505-431;30.
 - Tyler, Tom R(2006), why people obey the law, Princeton university press.
 - Tyler, T. R. & Huo, Y. J(2000), Trust and the rule of law, NY; Russell sage foundation.
 - Thie, Alex(2005), Sociology; A Brief introduction, Boston, MA 02116.
 - WJP Rule of Law index